

# نبرد زن

## نشریه

### دسته هشت مارچ زنان افغانستان

فصلنامه زنان - دور اول - شماره هشتم - ویژه هشت مارچ ۲۰۰۹ (حوت ۱۳۸۷)

"خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها کنیم!"

نبرد زن نشریه دسته هشت مارچ زنان افغانستان، یگانه نشریه ملی دموکراتیک زنان است که در خدمت بسیج گسترده زنان و دختران بخاطر برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیسم و خائنین ملی دست نشانده شان که حامی ستم بر زنان اند قرار گرفته است.

در شرایط فعلی مبارزه برای برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست یکی از ضرورت‌های عمده جامعه ما محسوب میشود و بدین اساس از تمام نیروهای انقلابی آگاه می‌خواهیم که با توجه به تعهد خرائین به منافع عالیای توده‌ها و کشور همراه، همدل و همصدا با تمامی قوت و توان در جهت بیرون رفت از زیر یوغ استعمار حرکت نمایند.

آنچه را باید جایگزین استعمار و سلطه شوم امپریالیسم جهانی نمود همانا تامین استقلال افغانستان از طریق اخراج قوای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده درمیسر سرنگونی کلی سلطه امپریالیسم بر کشور - سرنگونی حاکمیت نیمه فئودالیسم و بورژوازی کمپرادور و استقرار حاکمیت دموکراتیک توده‌های وسیع خلق‌های کشور، عمدتاً دهقانان و در راس کارگران، برپایه پیشبرد انقلاب ارضی و مصادره سرمایه دلال خواهد بود و این دو هدف بزرگ است که مضمون ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی انقلاب دموکراتیک نوین کشور را تشکیل میدهد.

زنان نیمی از آسمان اند و نیم پیکر جامعه!

برای تماس با نشریه:

Email:

[nabardezan@gmail.com](mailto:nabardezan@gmail.com)

آدرس وبلاگ:

[www.nabardezan.persianblog.ir](http://www.nabardezan.persianblog.ir)

نشریه نبرد زن از شماست، امید در جهت پربار نمودن هرچه بیشتر نشریه با ما مکاتبه نمایید. نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را به ایمیل آدرس مکاتباتی فوق ارسال نمایید.

صفحه

فهرست مطالب مندرج در این شماره:

- ۱ - افتتاحیه مراسم تجدیدیه ۸ مارچ ۲
- ۲ - بیانیه دسته هشت مارچ زنان افغانستان ۲
- ۳ - زن - دکلمه قرائت شده در محفل ۷
- ۴ - ارزش‌گذاری‌های غیر انسانی ۸
- ۵ - مبارزه باید ادامه یابد ۹
- ۶ - مبارزه علیه سرکوب و فریبکاری ۱۰
- ۷ - پرستوها - دکلمه سروده شده در محفل ۱۱
- ۸ - رقابتهای بی‌مورد میان زنان و دختران ۱۲
- ۹ - بانو - شعر سروده شده در محفل ۱۳
- ۱۰ - تحصیل علم و کسب دانش حق طبیعی و بدیهی زنان است ۱۳
- ۱۱ - تاراج فصل‌گلهای - شعر سروده شده در محفل ۱۴
- ۱۲ - ما میتوانیم حقوق خود را به دست آوریم ۱۵
- ۱۳ - پامالی حقوق زنان توسط اشغالگران ورژیم دست نشانده ۱۷

## افتتاحیه



دوستان گرامی! تشریف آوری شما را در گرد همایی تجلیل از هشت مارچ، روز جهانی زن، خوش آمدید می گوئیم. امید واریم بتوانیم در گردهمایی کنونی، گوشه یی از ستم هایی را که بر زنان روا داشته می شوند و راه مبارزه علیه این ستم ها را بیان نمائیم و به این ترتیب گام مثبت دیگری در پیشبرد مبارزات حق طلبانه زنان به پیش برداریم. در گرد همایی امروز ما که توسط "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" و به همکاری نزدیک "جنبش انقلابی جوانان افغانستان" بر گزار می گردد. همانند گرد همایی های سال های قبل، مقالات و اشعاری

امروزی و خوانندگان "نبرد زن"، طرح پیشنهادی پلاتفرم مبارزاتی ما را به دقت مورد مطالعه قرار دهند و در غنا بخشیدن بیشتر محتویات آن از همکاری و همسنگری با ما دریغ نوزند.

**بیا که قصر ستم را ز بن کنیم ویران**

**بیا که کار جهان را ز نو دهیم سامان**

**که راه و رسم ستم بر فتد ازین دنیا**

**جهان به حسب نظام نوین شود میزان**

پلاتفرم مبارزاتی "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" ارائه می گردد. امید واریم این طرح پیشنهادی در آینده نزدیک به یک سند تصویب شده مبدل گردیده و بتواند نقش مثبت و سازنده خود را در سازماندهی بهتر و با کیفیت تر مبارزات "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" بازی نماید. این سند پیشنهادی، در شماره بعدی نشریه "نبرد زن" نیز درج خواهد شد.

امیدواری ما آن است که زنان و مردان مبارز شرکت کننده در گرد همایی

در رابطه با ستم بر زنان و مبارزات زنان، توسط منسوبین دسته هشت مارچ زنان افغانستان و جنبش انقلابی جوانان افغانستان به خوانش گرفته می شوند. علاوه تا اجرای یک پارچه تمثیلی و سرود خوانی های هنرمندان مردمی نیز شامل پروگرام گردهمایی امروزی ما هستند. اما گرد همایی امسال دارای خصوصیتی است که آن را از گرد همایی های سال های قبل متمایز می سازد. در گردهمایی امسال، "بیانیه دسته هشت مارچ زنان افغانستان" به مثابه طرح پیشنهادی

## بیانیه دسته هشت مارچ زنان افغانستان

۱۳۰۷ شمسی) شروع شد. این حرکت که "نهضت نسوان" یعنی جنبش زنان نامیده شد، حرکت روبنایی اصلاحی ای بود که توسط دربار و بصورت مشخص توسط شخص شاه امان الله دامن زده شد. طبعاً دامنه این حرکت محدود بود و حتی در شهر کابل به یک جنبش وسیع زنان مبدل نگردید، چه رسد به شهر های دیگر و دهات سراسر کشور.

اما همین حرکت محدود نیز با عکس العمل شدید ارتجاع فیودالی مواجه گردید و حتی

انگلیسی در دوران سلطه هشتاد ساله شان بر این کشور، از ۱۸۳۹ تا ۱۹۱۹، نیز این خطه که در دوران های دور بخشی از آریانا قدیم و بعداً باختر و در دوره ضخیم استثمار و ستم فئودالی کهن، اسلامی بخشی از خراسان بزرگ بود، منجمله ستم بر زنان، در این کشور ایجاد پس از آنکه تحت تسلط استعمارگران نمایند و صرفاً ستمگری استعمارگران را انگلیسی قرار گرفت، در اواسط قرن بر ستم های قبلی افزودند.

نزده، افغانستان نامیده شد. این تاریخ اصلاحات در مورد وضعیت زنان در طولانی چند هزار ساله در عین حال افغانستان، باخصلت نیمه فئودالی تاریخ ستمگری برده دارانه و فئودالی بر - نیمه مستعمراتی، برای اولین بار در زنان این خطه بوده است. استعمارگران زمان سلطنت امان الله خان (۱۲۹۸ -

قبل از سقوط سلطنت امان الله خان تا حد زیادی کنار گذاشته شد. سقوط سلطنت امان الله خان (۱۳۰۷ شمسی) در عین حال به معنی کنار گذاشته شدن کامل " نهضت نسوان " در دوره کوتاه قدرت امیر حبیب الله کلکانی، که مجموعاً بصورت تقریبی مدت نه ماه دوام نمود، بود. اما بعد از قدرت گیری نادر شاه پدر ظاهر شاه و سال های اول سلطنت ظاهر شاه در زمان نخست وزیری هاشم خان کاکایش، نیز این نهضت در واقع توسط دربار دیگر دامن زده نشد.

با شروع دوره نخست وزیری شاه محمود کاکای دیگر ظاهر شاه که دربار از حصار دیرین استبداد با گام های لرزان بیرون خزید و به جنبش سیاسی دوره هفت شورا ( سال ۱۳۲۸ شمسی ) برای مدت کوتاهی زمینه بروز داد، اصلاحات دوره امانی در مورد زنان نیز یکبار دیگر از سر گرفته شد. علیرغم اینکه گشایش سیاسی دوره شاه محمود خان یک گشایش کوتاه مدت بود و به زودی جایش را به دوره استبدادی ده ساله نخست وزیری داود خان (۱۳۳۲ - ۱۳۴۲ شمسی) داد، اما " نهضت نسوان " دامن زده شده توسط دربار ادامه یافت. داود خان برای ادامه این " نهضت " حتی به خشونت متوسل شد و در قندهار مخالفین فتوئدالی محافظه کار این " نهضت " را قهراً سرکوب نمود.

جنبش زنان در افغانستان به مفهوم نسبتاً وسیع آن در واقع در دوره دموکراسی کذابی ظاهر شاهی (۱۳۴۲ - ۱۳۵۲) زمینه تبارز پیدا نمود. تا این زمان، مکاتب دخترانه در شهرها و بخشی از روستاهای کشور تا حد معینی گسترش یافته و یک قشر زنان با سواد به وجود آمده بود که در موسسات تعلیمی و اداری دولتی و در سطح محدودی در رشته طبابت به کار اشتغال داشت. درین دوره، همانگونه که جنبش های

سیاسی گوناگون، بنا به موجودیت اوضاع مساعد کشوری و بین المللی، زمینه تبارز یافت، برای اولین بار زنان و دختران نیز بصورت نسبتاً وسیعی در فعالیت های سیاسی دخیل شدند و یک جنبش نسبتاً وسیع زنان، بیرون از کنترل دربار و حتی در مخالفت با آن به وجود آمد. در مواجهه با چنین وضعیتی، دربار دست به سرکوب نزد، بلکه در مقام رقابت، " جمعیت زنان " (دمیرمنو تولنه) به وجود آورد، یک زن وفادار به دربار را وزارت بخشید و به زنان حق شرکت در انتخابات پارلمانی و حق وکالت " اعطا " نمود. درین دوره، جنبش زنان، با خصوصیت ضد دولتی، در مکاتب دخترانه، دانشگاه کابل ( یگانه دانشگاه کشور در آن زمان ) و همچنان در میان زنان و دختران شهری شاغل در بیرون از خانه، وسعت یافت. به این ترتیب، این جنبش کماکان از خصوصیت شهری بودن و عدم حضور در روستاهای کشور یعنی از عدم حضور در میان هشتاد در صد نفوس زنان کشور رنج می برد.

با خاتمه یافتن دوره دموکراسی کذابی ظاهر شاهی و شروع دوره پنجساله استبداد داود خانی که این بار بنام " جمهوریت " پیش برده می شد، یکبار دیگر جنبش های سیاسی مخالف، و طبعاً جنبش سیاسی مخالف در میان زنان نیز، با فتور مواجه شدند. اما اصلاحات دامن زده شده از بالا در مورد زنان، توسط حاکمیت همچنان ادامه یافت.

کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ و به دنبال آن تجاوز قوای صد و پنجاه هزار نفری سوسیال امپریالیستی شوروی بر افغانستان و اشغال این کشور، سراسر جامعه را به شدت تکان داد و همه اقشار و طبقات جامعه و همه زنان و مردان را به درون تلاطمات سیاسی و جنگ کشاند. از یکجانب رژیم دست نشانده سوسیال امپریالیست ها، " سازمان دموکراتیک زنان " وابسته به

حزب مزدور حاکم را، به ویژه در شهر های تحت حاکمیت اشغالگران و رژی م، وسعت بخشید، فرمانی در مورد لغو ازدواج های اجباری، " شیر بها " و طویانه و تثبیت حق ازدواج آزادانه زنان و دختران ( فرمان نمبر هفت ) صادر کرد، زنان را در بعضی موقعیت های دولتی بالا کشید و تا حدی در امور مربوط به اردو و پولیس دولتی دخیل ساخت و مکاتب دخترانه را توسعه داد. اما از جانب دیگر در مقاومت سرتاسری ایکه علیه اشغالگران سوسیال امپریالیست و رژیم دست نشانده شان در سراسر روستاهای کشور و همچنان در شهرها پیا خاست، زنان و دختران خواسته یا ناخواسته وسیعاً شامل گردیدند.

فرمان نمبر هفت رژیم در سطح وسیعی نتیجه معکوس بیار آورد. ازدواج های اجباری در خفا گسترش یافت و مقدار " شیر بها " مخفیانه بیشتر گردید. زور گویی های بروکراتیک بخاطر اجرای اجباری این فرمان، خود زمینه ساز تصاحب " مجانی " دختران جوان توسط لومپن های وابسته به رژیم گردید. بدتر از همه، باند های ملیشه وابسته به رژیم، در مناطق جنوب، غرب و شمال کشور، دست باز یافتند که زنان و دختران جوان و زیبا را هر زمانی که بخواهند و برای هر مدتی که بخواهند، تصاحب نمایند. وقتی این دست درازی ها وسعت یافت، زنان و دختران جوان وسیعاً به برقع پوشی روی آوردند تا از چشمان حریص ملیشه های ددمنش مصئون بمانند.

فرمان نمبر هفت رژیم، مهریه را از بین نبرد، بلکه مقدار آن را به سیصد افغانی پائین آورد. بنابراین اصل بینش مهریه گیری و مهریه دهی پا برجا باقی ماند و صرفاً مقدار آن ناچیز تعیین گردید، یعنی معامله خرید و فروش به حال خود باقی ماند ولی قیمت به شدت تنزل داده شد. این وضعیت یک شوخی لومپنانه به وجود آورد. لومپن های مزاحم به

دختران و زنان جوان، سیصد افغانی را نشان می دادند تا گویا قیمت شان را به آنها حالی کرده باشند.

مهم ترین فرمان رژیم، یعنی فرمان نمبر هشت، که فرمان مربوط به اصلاحات ارضی بود، اساساً یک فرمان شوونیستی و صرفاً مردانه بود. درین فرمان حق ملکیت دهقانان بر زمین بصورت خانوادگی و صرفاً برای مردان خانواده تثبیت شده بود و توزیع زمین برای زنان بصورت مستقل اصلاً در نظر گرفته نشده بود.

کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ و متعاقب آن تجاوز سوسیال امپریالیست های شوروی بر افغانستان و اشغال این کشور، باعث نابودی یک و نیم میلیون نفر از اهالی این کشور، معیوب شدن صدها هزار دیگر و آواره شدن تقریباً ثلث نفوس آن به کشورهای خارجی گردید. بیگمان می توان گفت که اکثریت این کشته شدگان و صدمه رسیدگان را زنان و دختران تشکیل دادند. تعداد زیادی از زنان و دختران جوان نیز به زندان های رژیم افتادند، شکنجه شدند، مورد تجاوز قرار گرفتند و به قتل رسیدند. صدها هزار زن پیر و جوان و دختران جوان و خورد سال، برای مدت های طولانی، در پشت در های زندان های مخوف رژیم، به سراغ عزیزان گم شده شان سرگردان گردیدند، گریه و زاری کردند و توسط محافظان و دربانان دد منش این زندان ها اذیت و آزار دیدند.

جنایات و ددمنشی های رژیم و باداران سوسیال امپریالیست شان، اکثریت عظیم زنان افغانستانی را نیز همانند مردان این کشور، در مخالفت با اشغالگران و رژیم دست نشانده شان قرار داد. زنان وسیعاً در مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی دخیل گردیدند. اما به دلیل سلطه روز افزون نیروهای بنیاد گرای وابسته به امپریالیست های غربی و ارتجاع منطقه و عرب بر این

مقاومت، نقش شان صرفاً یک نقش سنتی باقی ماند. این نیروها به زنان اجازه ندادند که فعالانه در مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی شرکت نمایند. آنها درین جنگ کشته می شدند، عزیزان شان را از دست می دادند، توسط نیروهای دشمن مورد تجاوز قرار می گرفتند و وسیعاً به آوارگی کشانده می شدند. اما اجازه نداشتند که اسلحه بر دارند و بصورت مسلحانه در مقاومت شرکت نمایند. حتی نیروهای چپ مخالف سوسیال امپریالیزم شوروی و رژیم دست نشانده اش، که طی چند سال اول مقاومت در مبارزات مسلحانه بصورت نسبتاً وسیع شامل بودند، زنان و دختران را وسیعاً به فعالیت های جنگی سوق ندادند و در نتیجه نقش آنها در این بخش از مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی نیز قویاً غیر جنگی و به اصطلاح صرفاً سیاسی، و در همین سطح نیز محدود، باقی ماند. پس از آنکه رهبری های این سازمان ها به خارج از کشور انتقال یافتند، همین نقش صرفاً سیاسی محدود زنان و دختران مربوط به آنها نیز عمدتاً به یک نقش خارج کشوری مبدل گردید.

وقوع فاجعه هشت ثور ۱۳۷۱ یا تحویلدهی قدرت توسط بقایای رژیم باز مانده از دوران اشغال، به بنیاد گرایان اسلامی و ملیشه های متحد شان و به وجود آمدن " دولت اسلامی "، یک عقبگرد عظیم در مورد مسئله زنان در افغانستان را رقم زد. این عقبگرد، تقریباً تمامی دستاورد های بدست آمده جنبش زنان را به سوی نابودی سوق داد. کار زنان شهری در بیرون خانه را وسیعاً محدود ساخت، تعداد دختران شامل در دانشگاه ها و مکاتب را وسیعاً تقلیل داد و حجاب اجباری را سرتاسری ساخت و زنان جوان و دختران جوان و حتی خورد سال را به گروگانان و غنایم جنگی خانه جنگی های ددمنشانه باند های مختلف بنیاد گرا تبدیل نمود. حتی دادگاه عالی

دولت اسلامی، یک فتوا نامه شرعی مبنی بر بستن کامل مکاتب دخترانه، اخراج دختران و زنان از دانشگاه ها، دفاتر دولتی، کارخانجات و رادیو ها و تلویزیون صادر کرد. دولت اسلامی به دلیل تشمت، تفرقه درونی و عدم هماهنگی شدید ارگان های مختلف آن، قادر نگردید، این فتوا نامه را بطور کامل تطبیق نماید. در واقع تطبیق کامل همین فتوا نامه امری بود که توسط امارت اسلامی طالبان جامه عمل پوشید.

امارت اسلامی طالبان تقریباً تمامی مکاتب دخترانه را بست، دختران را از دانشگاه ها اخراج کرد، تمامی زنان شهری را مکلف به برقع پوشی نمود، کار بیرون از خانه زنان شهری را کاملاً از میان برد، مسافرت زنان بدون سرپرست مرد را ممنوع قرار داد و حتی بازار و حمام زنانه را به روی زنان بست. دسته های باند بد نام " امر به معروف و نهی از منکر " طالبان در کوچه ها و جاده های شهر های مختلف کشور، شلاق بدست، زنان و دخترانی را که حجاب شان مطابق به میل آنها نمی بود، در ملاء عام شلاق می زدند و تحقیر و توهین می کردند. در همین دوره چند تظاهرات اعتراضی زنان توسط طالبان مسلح به خاک و خون کشیده شدند و تعدادی از زنان معترض به زندان افتادند.

یکی از بهانه های فریبکارانه امپریالیست های امریکایی و انگلیسی برای تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور، از بین بردن شوونیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان و تامین حقوق زنان بود. این ادعا بخاطری یک بهانه فریبکارانه بود که امارت اسلامی طالبان و تمامی سیاست های ارتجاعی آن، منجمله شوونیزم غلیظ مرد سالارانه اش، نه در تخالف با سیاست های امپریالیست های امریکایی و انگلیسی و وابستگان منطقه بی شان، بلکه در توافق با سیاست های مذکور، به روی صحنه آمد. شوونیزم

غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان منطبق با سیاست های دوره یی آنها بود و بدون حمایت فعال مستقیم و غیر مستقیم آنها، موجودیت طالبان و امارت اسلامی شان می توانست یک امر قویا غیر محتمل باشد.

علاو تا ادعای مذکور بخاطری یک بهانه فریبکارانه بود که آنها بجای امارت اسلامی طالبان، رژیم دست نشانده ای را رویکار آوردند که نیروها و شخصیت های مرد سالار شوونیست، بخش اعظم ترکیب آن را تشکیل داده اند. بینش این نیروها و شخصیت های ارتجاعی و اساس سیاست های شان، صرفنظر از تفاوت های جزئی، در واقع همان بینش و سیاست های طالبان است. به همین جهت با اشغال افغانستان توسط امپریالیست های امریکایی و متحدین شان و رویکار آمدن رژیم دست نشانده آنها، مسئله زنان به مثابه گروگانی در دست اشغالگران و رژیم پوشالی برای توجیه اشغال کشور و خیانت ملی مورد استفاده قرار گرفت، بدون اینکه کدام تفاوت اساسی در وضعیت توده های وسیع زنان به وجود آمده باشد.

البته هویدا است که یک قشر کوچک زنان خیانت پیشه، توسط اشغالگران و رژیم پوشالی پرورنده شده و به صورت نمایشی به روی صحنه آورده شده است تا زن ستیزی بنیاد گرایان حاکم در رژیم دست نشانده را بپوشاند و سندی گردد برای ثبوت ادعاهای فریبکارانه تامین حقوق زنان. افراد شامل در این قشر کوچک پرورنده شده توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده، نه تنها به وزارت و وکالت رسانده شده اند، بلکه به مثابه سرمایه داران دلال تازه به دوران رسیده به بازار نیز راه یافته اند.

اما در مقابل این قشر کوچک دست پرورده، توده های وسیع زنان قرار دارند که وضع شان با دوره امارت اسلامی طالبان کدام فرق اساسی نکرده است.

در بعضی موارد مشخص، مثلا مکاتب دخترانه، حمام های زنانه، تا حدی کار زنان شهری در بیرون از خانه و غیره، تا آنجائیکه به تفاوت تفسیر های جهادی و طالبی از شریعت مربوط است، کم و بیش وضع زنان بهبود یافته است. اما سنت های دد منشانه ای که توسط امارت اسلامی طالبان ضد شرعی اعلام گردیده و رسما منسوخ شده بودند، از قبیل بد دادن (دختر خون)، بدل، ملک موروثی دانستن زن بیوه توسط خانواده شوهر زن و غیره، بار دیگر وسیعا احیا شده اند و حتی توسط مقامات بلند پایه رژیم مورد اجرا قرار می گیرند.

نمی توان ادعا نمود که تفنگ بدستان طالب از دست درازی به زنان و تجاوز بر آنها، کاملا بری بوده اند. اما دست درازی ها و تجاوزات منسوبین نیروهای امنیتی رژیم و نور چشمی های مقامات بلند پایه آن، به حدی رسوا و بی شرمانه گسترش یافته است که نه تنها با دوره امارت اسلامی طالبان به هیچ وجه قابل مقایسه نیست، بلکه در تاریخ افغانستان کمتر مثل ومانندی دارد. اختطاف دختران جوان و حتی خورد سال و تجاوز بر آنها، به یک امر روز مره تبدیل شده و کمتر روزی را می توان سراغ نمود که این قبیل حوادث به وقوع نپیوندد. اختطاف گران و متجاوزین اکثرا گرفتار و محاکمه نمی گردند و انتهائی هم که گرفتار می شوند، در بدل رشوه توسط مقامات قضایی رژیم برائت حاصل می کنند و یا در صورت مجازات توسط مقامات قضایی، مقامات بلند پایه رژیم، منجمله شخص کرسی، آنها را از زندان رها می سازند.

اشغالگران و رژیم دست نشانده ادعا دارند که زمینه های وسیعی برای اشتغال زنان در بیرون از خانه به وجود آورده اند. این ادعا از چند جهت فریبکارانه و دروغین است. اولاً از اینجهت که در سطح کل جامعه زمینه اشتغال گسترش نیافته و روز بروز بر میزان بیکاری افزایش

به عمل می آید. ثانیاً از اینجهت که زنان و دختران شاغل در بیرون از خانه صرفاً یک اقلیت کوچک چند فیصده وابسته به اشغالگران و رژیم دست نشانده را شامل می گردد. ثالثاً از اینجهت که با نابودی وسیع صنایع دستی و تولیدات غذایی خانگی، توده های وسیع زنان روستایی به شدت به سرایش فقر و بیچارگی افتاده اند. به این ترتیب سیر رو به رشد بیکاری و عدم اشتغال، کل جامعه، منجمله زنان، را تهدید می نماید و اشتغال زنان توسط اشغالگران و رژیم پوشالی افسانه فریبکارانه ای بیش نیست.

دهشت افگنی ها، خانه تلاشی ها و بمباران های کور نیروهای اشغالگر امپریالیست، معمولاً از میان زنان و اطفال قربانی می گیرند. منسوبین این نیروها، اعم از افسر و عسکر، متجاوزین بالقوه و بالفعلی هستند که نه تنها زنان و دختران مناطق جنگی، بلکه پسران و مردان این مناطق، و همچنان زندانیان، را نیز پیوسته مورد تهدید جنسی قرار می دهند.

پناهگاه های مربوط به وزارت امور زنان رژیم که تقریباً در تمامی ولایات کشور به وجود آمده اند، برای زنان گرفتار مصایب، نه مکان های مصئون و امن، بلکه مکان های استفاده جویانه جنسی مقامات رژیم از آنها هستند. زن و دختری که یکبار به این "پناهگاه" ها وارد گردد، بر بادی اش کامل و آینده اش کاملاً تیره و تاری می گردد.

درینجا لزومی ندارد در مورد سیاست های زن ستیزانه طالبان زیاد صحبت نمائیم. طالبان، همان طالبان دوره امارت اسلامی هستند و اساساً کدام فرقی نکرده اند. آنها در مناطق تحت کنترل شان مکاتب دخترانه را می بندند و زنان را از کار بیرون از خانه در موسسات دولتی و موسسات به اصطلاح کمک رسانی غیر دولتی، منع می کنند. اما این

کشور ها و هم حرکت های مبارزاتی خارج کشوری زنان این کشور ها را در بر بگیرد.

با توجه به تمامی وظایف مبارزاتی مطرح شده در فوق، روشن است که یکی از وظایف مهم جنبش انقلابی افغانستان و همچنان دسته های انقلابی خارج کشوری افغانستانی، تقویت جنبش مبارزاتی زنان، به مثابه یک جنبش مستقل مبارزاتی است. اکیدا باید خاطر نشان سازیم که این جنبش مبارزاتی ولو اینکه نهایتا در تابعیت از وظیفه مبارزاتی عمده، یعنی مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و خائنین ملی، پیش برده شود، اما در هر حال یکی از مبارزات مهم در سطح کل جامعه بوده و هرگز نباید به فراموشی سپرده شود و هرگز نباید به عنوان یک وظیفه مبارزاتی حاشیه یی در نظر گرفته شود.

جنبش مبارزاتی زنان افغانستان که از یکجانب با فریبکاری ها و توطئه های اشغالگران و دست نشانندگان شان و از جانب دیگر با شوونیزم غلیظ طالبانی در مواجهه و رویارویی قرار دارد، بطور ویژه ای نیازمند حمایت ها و همکاری های گسترده جنبش های مبارزاتی زنان کشور های مختلف جهان، به ویژه حمایت ها و همکاری های جنبش های مبارزاتی زنان کشور های منطقه، می باشد.

**دسته هشت مارچ زنان افغانستان**

**مارچ ۲۰۰۹**

هر گونه اسثمار و ستم باشد، پیش برده شود. ازینجهت جنبش مبارزاتی زنان باید در پیوند فشرده و ارتباط متقابل تنگاتنگ با مبارزات طبقاتی زحمتکشان علیه اسثمار طبقاتی و مبارزه علیه ستم ملی شوونیستی قرار داشته باشد.

۵ - تجارب بدست آمده در طول هشتاد سال اخیر در افغانستان نشان داده است که جنبش زنان تا زمانی که از بالا دامن زده شود و قشر کوچکی از زنان را در بر بگیرد، سود چندانی برای توده های زنان نخواهد داشت و وضعیت آنها را اساسا تغییر نخواهد داد. ازینجهت کاملا لازم است که برای توده یی ساختن جنبش مبارزاتی زنان تلاش و کوشش مستمر و پیگیر به عمل آید. جنبش مبارزاتی زنان نباید صرفا یک جنبش مبارزاتی روشنفکرانه باقی بماند بلکه کاملا لازم است که به یک جنبش مبارزاتی توده یی، که خیل عظیم زنان زحمتکش را آگاهی دهد و آنان را بسیج و سازماندهی نماید، مبدل گردد.

۶ - جنبش مبارزاتی زنان افغانستان باید در پیوند فشرده با جنبش های مبارزاتی زنان سایر کشور های جهان، بخصوص زنان کشور های منطقه، پیش برده شود. جنبش های مبارزاتی زنان در کشور های مختلف، بخصوص کشور های منطقه، باید متقابلا همدیگر را حمایت و تقویت نمایند. این حمایت و تقویت متقابل هم جنبش مبارزاتی زنان در داخل این

قدر هست که چون مناطق تحت کنترل شان در بیرون از شهر ها قرار دارد، دسته های "امر به معروف و نهی از منکر" شان فعال نیستند، با پوشش سنتی زنان روستایی مشکلی ندارند و در مورد آنها سختگیری نمی کنند.

به این ترتیب وظایف مبارزاتی جنبش زنان در افغانستان را می توان به ترتیب ذیل بیان نمود:

۱ - اولین وظیفه و وظیفه عمده جنبش زنان در افغانستان، مبارزه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده و بصورت مشخص مبارزه علیه برنامه های اغواگرانه آنها در مورد زنان است. جنبش زنان یک جنبش مبارزاتی حق طلبانه و عادلانه ضد شوونیستی و ضد ستم است و نباید اجازه داد به مثابه گروگانی توسط اشغالگران و خائنین ملی مورد سوء استفاده قرار بگیرد.

۲ - مبارزه علیه اشکال مختلف شوونیزم مرد سالار که تحت نام های مذهب، سنت، تقدس خانواده و غیره اعمال می گردد، به مثابه وظیفه خاص جنبش زنان.

۳ - مبارزه برای گسترش جنبش سیاسی سکولار در جامعه مبتلا به بنیاد گرایی چند جانبه افغانستان، یکی از وظایف مهم مبارزاتی جنبش زنان را تشکیل می دهد. بنیاد گرایی، چه در چهره رژیم دست نشانده خود را نشان دهد، چه در چهره طالبان و نیروهای مشابه آن، برای جنبش زنان زهر کشنده است و این جنبش هیچ چاره ای جز مبارزه جدی و پیگیر علیه آن ندارد.

۴ - جنبش مبارزاتی زنان، چنانچه بخواهد دور نمای نابودی کامل ستم بر زنان و سرنگونی کامل شوونیزم مرد سالار را نصب العین خود قرار دهد، باید به مثابه بخشی از مبارزه برای سرنگونی کامل نظام اسثمارگرانه و ستمگرانه موجود و برقراری یک نظام عادلانه ای که جهتگیری اش به سوی رفع



**نظارات کارزار زنان ۸ مارچ**

## زن

هنوز از نسل پیدا گشته بی دست چپی خواهر؟  
 گلویت صاف کن، آواز خود را آشکارا کن  
 اگر نه، خواهرم روی زبانت زنگ می گیرد  
 بیا رکبار از فریاد خود آغاز کن خواهر  
 تو در سیر و پیاز و آتش گلخن نمی گنجی  
 تو در دیوار زندان های این و آن نمی گنجی  
 تو آن انبار از حرفی که چندین قرن سرپوشی  
 نمیخواهی که یک آزاده باشی، زن، زمانش نیست؟  
 تکان بر دست و پایت ده اسارت تا بکی خواهر؟  
 تو در قرن چینی هم تجارت می شوی خواهر  
 بیا، گامی بیرون از چار چوب بندگی بگزار  
 بیا و آنچه داری بعد از این بر خویش باور کن  
 بیا و گام خود با گام آن مردان برابر کن  
 بیا چشمان زن در شهر وده در انتظار توست  
 بیا کمتر ز رنگ چشم و ناخن مدح کن ای زن  
 تو میتوانی و باید بشکنی زنجیر ذلت را

هنوز آن بی صدا و بی زبان و بی گپی خواهر؟  
 به روی صخره ها سر زن و طوفان همچو دریا کن  
 گلویت چشمه ای فریاد را هم منگ می گیرد  
 تو آن عنقای آزادی بیا پرواز کن خواهر  
 تو کوه موج های نوری در روزن نمی گنجی  
 تو در نان و کباب روی دسترخوان نمی گنجی  
 تو آن سیلاب فریادی، که تا امروز خاموشی  
 که از نخها بیرون آیی، و از سوزن، زمانش نیست؟  
 اسیر بغض های ننگ و غیرت تا بکی خواهر؟  
 بکام مرد سالاری تو غارت می شوی خواهر  
 قدم بر پله های واقعی بی زندگی بگزار  
 بیا و رایت پر خونی، ملالی وار بر سر کن  
 که از خون مایه ها دارند، یک تصویر دیگر کن  
 بیا خوکان زن خواران دیگر تنها شکار توست  
 بیا و قله های هستی بی خود فتح کن ای زن  
 که در تاریخ انسانی همین مسئولیت از توست

## ارزش‌گذاری‌های غیر انسانی

در مورد زنان و دختران، ارزش‌گذاشتن به آنها بر اساس لباسی که پوشیده‌اند و زیوراتی که به سر و گردن آویخته‌اند، می‌باشد. درینمورد، ارزش یک زن یا دختر نظر به قیمت لباس و زیوراتش تعیین می‌گردد. درینمورد مهم نیست که یک زن یا دختر شیک پوش و دارای زیورات بسیار و پر زرق و برق، از لحاظ صلاحیت‌های عملی و علمی هم چیزی در چنته دارد یا نه؟ ازین لحاظ لباس شیک و زیورات پر زرق و برق، پوششی برای بی‌صلاحیتی‌ها و درماندگی‌ها می‌گردد و یک شخصیت کاذب ایجاد می‌نماید. اما همین شخصیت کاذب، خود عامل دیگری برای تحکیم ستم بر زن و تقویت شوونیسم مردسالار می‌گردد. مردان شوونیست بخوبی می‌دانند که چگونه از این نقطه ضعف زنان سوء استفاده نمایند. مبارزه برای ارتقای صلاحیت‌های علمی و عملی زنان و دختران، می‌تواند به عنوان یک عامل نیرومند در مبارزه علیه این نقطه ضعف کار نماید.

بیایید مبارزه برای آگاه‌ساختن زنان و دختران به ارزش‌ها و صلاحیت‌های انسانی‌شان را با جدیت پیش ببریم تا احساس مقاومت و مبارزه در آنها به وجود آید و هر چه بیشتر تقویت گردد و آنها خود علیه ارزش‌گذاری‌های ضد انسانی دست به مبارزه بزنند.

انسانی‌یک مبارزه موفقانه را پیش برد و آن را مورد ضربت قرار داد. متأسفانه این عمل خرید و فروش دختران با وجودی که در میان تعدادی از خانواده‌ها از میان رفته است، اما هنوز هم یک عنعنه عمومی محسوب می‌گردد. این عنعنه عمومی آنچنان تاثیرات ناگوار دارد که حتی تعداد زیادی از خود دختران جوان به شدت به آن پایبندی دارند. مثلاً دختری که قیمت فروشش نسبت به دختر دیگری بیشتر باشد، خود را یک سر و گردن بالاتر از او حساب می‌نماید و افتخار می‌کند که قیمت فروشش نسبت به قیمت فروش او بیشتر است. بر عکس، آن دختری که قیمت فروشش کمتر باشد، احساس حقارت می‌کند و با دیده حسرت به آن دختر دیگر می‌بیند. حتی زنان خانواده، ارزش دخترشان را در قیمت بالای فروش می‌بینند. اگر روی این موضوع دقت کنیم، می‌بینیم که عدم آگاهی زنان و دختران درینمورد نقش بسیار مهمی بازی می‌نماید. اگر زنان و دختران خود به این آگاهی برسند که انسانیت‌شان کامل است و نباید مانند اشیا مورد خرید و فروش قرار بگیرند، قیمت بالاتر برای‌شان را به مفهوم ارزش بیشتر نه بلکه به مفهوم توهین بیشتر به انسانیت‌شان خواهند دانست. این احساس اهانت، هر قدر نیرومندتر باشد، به همان اندازه عزم و اراده مقاومت و مبارزه علیه این عنعنه غیر انسانی به وجود می‌آورد. یک ارزش‌گذاری غیر انسانی دیگر

ستم بر زن اشکال گوناگون دارد. یکی از اشکال آن، ارزش‌گذاری‌های غیر انسانی زنان است. در این ارزش‌گذاری، زنان به عنوان اشیا و یا بر اساس اشیای دست‌داشته‌شان، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. طبعاً وقتی چنین شد، زنان یا مانند اشیا خرید و فروش می‌شوند و یا حتی پائین‌تر از اشیا مدنظر قرار می‌گیرند. درینجا بطور مختصر، روی دو مورد مکث می‌نمائیم.

یک دختر یا زن خوب، به قیمت بالا به فروش می‌رسد، درست مثل یک ابزار خوب و یا یک خانه خوب. نام این قیمت را، چه "گله" و "ولور" بگزارند و چه "شیر بها" و "پیشکش"، در اصل قیمت‌گذاری فرقی به وجود نمی‌آورد. اگر روی این موضوع بخوبی دقت کنیم، می‌بینیم که این عمل به شدت غیر انسانی است. اما یک عمل، هر قدر ضد انسانی باشد، وقتی در جامعه عام شد، به یک رسم یا عنعنه بدل می‌شود و قباحت خود را از دست می‌دهد. دختر فروشی در جامعه ما، یکی از همین عنعنات ضد انسانی است که قباحت خود را از دست داده و به یک امر عادی مبدل شده است. اما هر کار زشت و ضد انسانی ذاتاً زشت و ضد انسانی است و باید علیه آن مبارزه صورت بگیرد، ولو اینکه در جامعه به یک کار عام مبدل شده باشد. تجربه نشان داده است که می‌توان علیه این عنعنه غیر





## مبارزه علیه سرکوب و فریبکاری

زندگی آخر سر آید بندگی در کار نیست  
بندگی گر شرط باشد زندگی در کار نیست  
با حقارت گر بیارد بر سرت باران در  
آسمان را گو برو بارندگی در کار نیست

فرا رسیدن هشت مارچ روز جهانی زن را به تمامی زنان ستمدیده و مردان آزادیخواه تبریک می گویم.

همانطوری که می دانیم زنان نیمی از پیکر یک جامعه را تشکیل می دهند و جامعه فقط و فقط با حضور فعال زنان می تواند پیشرفت نماید. بدون حضور فعال زنان، تغییر و تحول مثبت در جامعه ناممکن است. اما مهم این است که حضور زنان در یک جامعه، یک حضور نمایشی و سمبولیک نباشد. زنان باید حضور واقعی در عرصه اقتصادی، صحنه سیاسی، فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و دیگر ساحات حضور واقعی داشته باشند. مسئله زنان نباید ابزار دست جنایتکاران و مردم فریبان و کسانی که دست شان به خون هزاران انسان بی گناه و عدالتخواه آغشته است قرار گیرد. زنان نباید به مثابه مهره هایی برای پیشبرد اهداف امپریالیست ها و خائنین ملی بکار گرفته شوند.

تاریخ گواهی می دهد که استعمار در راه رسیدن به اهداف خود در کشور های فقیری همچون افغانستان، چه در گذشته و چه امروز، نیاز به عروسک های آراسته شده بومی دارد. برای امریکا و متحدینش سیاست عبارت است از اینکه کی در کجا و چگونه آنچه را که آنها می خواهند بدست آورند و منافع شان را تامین کنند. امپریالیست ها برای رسیدن به اهداف و دستیابی به منافع شان، ارتجاعی ترین و زن ستیز ترین احزاب بنیادگرا را به وجود آورده و پرورش داده اند. ادعاهایی که آنها بخاطر تامین حقوق زنان به عمل می آورند، ادعاهای پوچ و فریبنده است.

یکی از بهانه های امپریالیست های اشغالگر امریکایی و متحدین شان در تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور،

نجات زنان افغانستان از ستم و استبداد رژیم طالبان بود. آنها هنوز هم این ادعا را تکرار می کنند. اما ما فراموش نمی کنیم که خود امپریالیست ها در به وجود آوردن و پرورش طالبان و سایر گروه های بنیاد گرای زن ستیز دست داشته و دارند. ستم و استبدادی که طالبان بر مردمان افغانستان، منجمله زنان این کشور، تحمیل کردند، در زمان موجودیت امارت اسلامی آنها مورد حمایت های مستقیم و غیر مستقیم همین ناجیان دروغین امروزی زنان افغانستان قرار داشت.

در زمان امارت اسلامی طالبان منافع آنان ایجاب می کرد که حمایت از آن رژیم مستبد و ستمگر و در واقع حمایت از ستم خشن طالبی بر زنان را در پیش بگیرند. اما امروز نفع شان را در این می بینند که نجات زنان افغانستان از استبداد و ستم طالبی را شعار خود قرار دهند و در مورد حقوق زنان به لاف و گراف بپردازند. آنان بدینوسیله میخواهند مسئله زنان را همانند پرده فریب دیگری، همانند دموکراسی خواهی، ترقی خواهی و صلح طلبی دروغین بر روی تجاوز و اشغالگری و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده بکشند و چهره حقیقی استعمار و خیانت ملی را بپوشانند.

آنان بر اساس ماهیت نظام استثمارگرانه و ستم گرانه شان و بخاطر تامین منافع غارتگرانه شان، کشورهای دنیا را یکی پس از دیگری به آتش می کشند. آنگاه دور دنیا راه افتاده و در مورد دموکراسی و حقوق زنان سخنرانی می کنند. هر کسی قوه اندیشیدن مستقل داشته باشد به این دموکراسی بازی و حق خواهی آنان می خندد.

ما نباید فراموش کنیم که امریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی همان کارهایی را انجام می دهند

که به نفع شان باشد. چنانچه منافع شان از طریق حمایت از استبداد تامین شود، مستبد پرور می شوند و چنانچه منافع شان را در دموکراسی خواهی ببینند، دموکراسی بازی های فریبکارانه براه می اندازند. چنانچه منافع شان را در سرکوب خشن حقوق زنان ببینند از امارت اسلامی طالبان حمایت می کنند و چنانچه شعار های کاذبانه تامین حقوق زنان را به نفع خود ببینند، از رژیم کرسی برنامه های نمایشی آن در مورد زنان حمایت می نمایند.

جنش مبارزاتی زنان نه تنها وظیفه دارد که علیه سرکوب خشن حقوق زنان مبارزه همه جانبه را پیش ببرد، بلکه در عین حال وظیفه دارد که مبارزه علیه برنامه های فریبکارانه در مورد مسئله زنان را نیز پیش ببرد.

عزیزم!

پاک کن ز چهره اشک را

ز جا بر خیز.

تو در من زنده یی

من در تو

ما هرگز نمی میریم.

من و تو با هزاران دیگر

این راه را دنبال می کنیم.

از آن ماست پیروزی

از آن ماست فردا

با همه شادی و بهروزی.

عزیزم!

کار دنیا رو به آبادی است

و هر لاله ایکه از خون شهیدان

می روید امروز

نوید روز آزادی است.

## پرستوها!

پرستوها!

پرستوها!

پرستوهای مست و سرکش و دلشاد  
که چون گلبسته های شاخسار روزگار  
انید شما

برق امید آسمان ابر پوش سوگوارانید  
شما خود اختران تابناک اندر شبستان غم شب زنده دارانید  
شما پیک بهارانید

که انبوه کلاغان سیه را از حریم باغ می رانید  
پرستوهای مست و سرکش و دلشاد  
ورود فیضبار تان به شهر ما گرامی باد!  
گرامی باد!

پرستوها!

دلم خواهد برایتان بگویم فاش  
چگونه ابر چرگین دامن تاریک خود گسترده  
چگونه غنچه ها پژمرد؟  
چگونه شعله های رنگ و بو در بوستان ها مرد؟  
چگونه زورق گلبرگ ها را  
سیل باد با خود برد؟  
پرستوها!

پرستوهای بر لب نغمه فریاد  
که همچون نقطه فرجام در فصل زمستانید  
که عنوان نخستین برگ فصل نوبهارانید  
شما لبخند صبح پژمرده بارانید  
شما پیک بهارانید  
ورود فیضبار تان به شهر ما  
مبارک باد!  
مبارک باد!

## رقابت های بیمورد میان زنان و دختران

سالاری است و نه ناشی از نیت بد و یا رقابت یک زن و یا دختر دیگر خانواده علیه او. اگر زنان و دختران به این مسئله توجه نمایند که زنان و دختران خانواده، همه از خورد و بزرگ، تحت ستم هستند، یک روحیه خوب وحدت و اتفاق میان آنها به وجود می آید. در آن صورت اگر یکی از زنان و یا دختران خانواده توسط مردان خانواده تحت فشار قرار بگیرد و یا مورد لت و کوب واقع شود، سائر زنان و دختران خرسند نمی شوند، بلکه به نحوی سعی خواهند کرد تا جلو فشار و لت و کوب را بگیرند و روحیه محبت آمیز خانوادگی را حفظ نمایند. پیدایش این وضعیت در خانواده به نفع کل خانواده یعنی به نفع زنان خانواده و همچنان به نفع مردان خانواده است.



تحصیلی دختران می گردد. اما مضر ترین جنبه این رقابت های بیمورد این است که پای مردان خانواده در این رقابت ها کشانده می شود و خود زنان و دختران سعی می کنند که از طریق آنها باعث سرکوب سائر زنان و دختران گردد. مثلاً خشو پسر خود را علیه عروسش تحریک می کند و یا عروس خشویش را از طریق شوهرش تحت فشار قرار می دهد.

از جانب دیگر گاهی دیده شده است که همین رقابت های بیمورد باعث بروز جنجال های کلان و حتی زد و خورد میان مردان خانواده ها گردیده و باعث زخمی شدن آنها و حتی کشته شدن شان شده است. این قبیل حوادث آنچنان خاطرات تلخی به وجود می آورند که برای یک عمر راحت و آسایش را در خانواده های مصیبت دیده از بین می برد.

راه اصولی و درست رفع این رقابت ها این است که زنان و دختران به ارتقای آگاهی و سطح علمی و دانش شان توجه نموده و برای متکی شدن بخود تلاش نمایند. آنها باید به این نکته توجه نمایند که تحت ستم بودن شان در خانواده ناشی از مرد

فرا رسیدن روز جهانی زن را به همه زنان و مردان مبارز تبریک می گویم.

اجازه می خواهم چند دقیقه مختصر وقت شما را گرفته و در مورد یک مسئله جنجالی در خانواده ها صحبت نمایم. این مسئله عبارت است از رقابت های بیمورد و بیجا میان زنان و دختران یک خانواده. این رقابت ها که باعث بروز جنجال ها و مشکلات زیادی در درون خانواده ها می گردد، یکی از عواملی است که باعث تحکیم هر چه بیشتر مرد سالاری و ستم خانگی بر زنان و دختران می گردد.

اکثراً دیده شده است که زنان و دختران یک خانواده بخاطر پیشبرد رقابت های بیمورد در میان خود شان، اقتصاد خانوادگی را ضربه می زنند و مصارف بیجا و بیمورد ایجاد می کنند. این مصارف بیجا و بیمورد، اقتصاد خانواده را ضعیف می سازد و باعث می گردد که ضروری ترین احتیاجات اعضای خانواده رفع نشده باقی بماند. اکثراً تاوان این مصارف بیجا نیز بر عهده زنان و دختران خانواده می افتد. مثلاً باعث نقصان در مصارف

## بانو

سلام بانوی مسئول نسل خاموش  
 که کوه درد نهفته ست روی آغوش  
 سلام بانوی نو، روز تو مبارک باد  
 ندا ز درد جگر سوز تو مبارک باد  
 تو از سکوت شبستان سرد می آیی  
 ز چند قرن پر از درد و رنج می آیی  
 گلوی خفته تو بیشتر به زخم من  
 نمک مریز دیگر بیشتر به زخم من  
 اگر چه من همه عمر را جفا کردم  
 و لاجرم به تعهد بخود، وفا کردم  
 تعهدم، ایده و هدفم، اسارت تو  
 کمر بسته به سرکوب، هم حقارت تو  
 تمام دار و نداشت اسیر پنجه من  
 و سالهاست که هستی تو و شکنجه من  
 سلام بانوی بیدار، شرمسار تو ام  
 و غرق حق خوری بی شمار تو ام  
 مرا ببخش که مرهم نمی توانم بود  
 و تکیه گاه قوی هم نمی توانم بود  
 مرا ببخش که نامم همیشه جا مانده  
 گلوی سبز تو از ظلم بی صدا مانده  
 به چار سوی زمین برده اند نام مرا  
 به چار سوی زمین بسته اند دام مرا  
 بلی، تمام سیاهی و خون حکایت من  
 رسیده است به مرز جنون حکایت من  
 حدیث منگ و سیاهیست صفحه تاریخ  
 حدیث محو و تباهیست صفحه ی تاریخ  
 بخیز بانو بیا راست کن تو قامت خود  
 و تا طلوع ظفر رو در استقامت خود  
 وطن ز آتش شب سوز خود منور کن  
 " به آفتاب سلام دوباره " را سر کن  
 ز پشت و برقع و چادر بیرون نما خود را  
 به جمع خلق مبارز درون نما خود را



### تحصیل علم و کسب دانش حق طبیعی و بدیهی زنان و دختران است

می شوند و اعمال این ستم را یک امر طبیعی و بدیهی می دانند. نه تنها مردان بلکه حتی خود زنان نیز وسیعا در مورد حقوق شان آگاهی ندارند و فکر می کنند که تحت ستم بودن شان یک امر کاملا طبیعی است. این نا آگاهی متأسفانه آنچنان عمیق و گسترده است که لازم است در مورد بدیهی ترین حقوق زن نیز حرف بزنیم و نه تنها مردان بلکه

اولیه زنان باید حرف زد و به آگاهی دهی پرداخت. دلیل آن روشن است. در قدم اول مناسبات اقتصادی، نظام سیاسی، فرهنگ حاکم و مناسبات اجتماعی موجود، اساس و پایه های ستم بر زن و اتلاف حقوقش را تشکیل می دهند. در تابعیت از این وضعیت عمومی حاکم، نه تنها مردان بلکه زنان نیز مجری ستم مردسالارانه

هشت مارچ روز جهانی زن را به همه شما تبریک می گویم. ما امروز در اینجا جمع شده ایم تا از روز بین المللی زن تجلیل نمائیم و در مورد حقوق زنان و چگونگی تامین آن صحبت نمائیم. متأسفانه در جامعه ما که از تمامی جهات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه عقبمانده است، حتی در مورد حقوق طبیعی و

حتی خود زنان را نیز با این حقوق آشنا سازیم.

یکی از بدیهی ترین حق زن و بلکه حق هر انسانی حق تعلیم و تربیه است. این حق اساساً از خصوصیت طبیعی انسان به عنوان یک موجود با شعور ریشه می گیرد. این خصوصیت، انسان را از حیوانات که با تکیه بر غرایز حیوانی زندگی می کنند، متمایز می سازد. انسان به دلیل اینکه یک موجود با شعور است میتواند آگاهانه نسبت به محیط پیرامون خود عکس العمل نشان دهد و نه بصورت غریزه بی.

این موجود با شعور با استفاده از عقل و توانمندی فکری خود نه تنها می تواند بصورت تکامل یابنده ای محیط پیرامون خود را تغییر دهد و وسایل مورد احتیاج خود را اعم از ابزار کار و مواد مصرفی تولید نماید، بلکه قادر است رشد و تکامل شعور خود را نیز تأمین نماید و آگاهی خود را نسبت به طبیعت، جامعه و وجود خود بصورت پیوسته ارتقا دهد. حیوانات صرفاً قادر اند غرایز خود را از یک نسل به نسل دیگر انتقال دهند و صد ها و هزاران نسل به همان صورت اولی باقی می مانند. اما انسان ها از یک نسل تا نسل دیگر به یک حالت باقی نمی مانند و پیوسته رو به تکامل می روند.

انسان ها در قدم اول نسبت به میراث گذشتگان شان آگاهی حاصل می کنند و بعداً قادر می گردند که خود بصورت

اجتماعی و فردی، به غنی ساختن بیشتر و وسیع تر این میراث پردازند. موجودیت و ادامه این پروسه بدون تعلیم و تربیه مداوم و دایمی نسل های انسانی ممکن و میسر نیست. در حقیقت تعلیم و تربیه مداوم و دایمی نسل های انسانی است که باعث حفظ و بقای تمدن انسانی بوده و سیر پیوسته تکامل اجتماعی و فردی انسان ها را تضمین نموده است. این پروسه بخش تفکیک ناپذیری از حیات اجتماعی و فردی انسان بوده و بدون آن حتی تصور موجودیت جامعه انسانی ناممکن است.

در حقیقت بخاطر سازماندهی و موثریت بهتر و بیشتر همین پروسه تعلیم و تعلم دایمی موجود در جامعه انسانی است که موسسات تعلیمی و آموزشی یعنی مکاتب و دانشگاه ها به وجود آمده اند. بنابراین حق طبیعی و بدیهی هر انسانی، اعم از زن و مرد، است که برای تعلیم و تربیه بهتر و بیشتر خود از این موسسات تعلیمی استفاده نماید.

اینکه طبقات استثمارگر حاکم استفاده از این اختراع انسانی را صرفاً بخود اختصاص می دهند و طبقات تحت استثمار محکوم را از آن محروم می سازند، در حق انسانیت جفا می نمایند. اینکه جنس ستمگر حاکم یعنی مردان حق استفاده از این اختراع انسانی را بخود اختصاص می دهند و جنس تحت ستم محکوم را از آن محروم می سازند، باز هم در حق انسانیت جفا روا می دارند.

جهالت را پرستش کفر عقل است  
چنانچه لال بودن کفر نقل است  
بود انسان به عقل و فکر انسان  
به علم و خط زبان و ذکر انسان  
اگر بنده کسی بال تفکر  
پر پرواز تعلیم و تذکر  
ره دیو جهالت باز گردد  
فضا با دام و ددمساز گردد  
نفس گیرد روان آلوده گردد  
شرف انسانیت بیهوده گردد

## تاراج فصل گل ها

من از سرودن شعری سخن نمی گویم  
ز جابجایی بی یک واژه من نمی گویم  
ز شاه بیت غزل های توده می گویم  
قصیده هایی که کس نا سروده می گویم  
ز حادثات فراموش گشته ی تاریخ  
ز مردمان سیه پوش گشته ی تاریخ

ز رهبران نه عمل بلکه حرف را دیده  
 کسی که طعم چهل قتل عام را دیده  
 ز کودکان و زنان انتقام را دیده  
 کسی که شهر به ماتم نشسته را دیده  
 هزار قامت محزون و خسته را دیده  
 من امر و نهی ملک های صلح را دیدم  
 و کشت و خون کلک های صلح را دیدم  
 من از تداوم یک انقلاب می گویم  
 به رهبران دروغین جواب می گویم  
 که انقلاب اگر بود هم ز مردم بود  
 اگر کی داس و تبر بود یا که گندم بود  
 شما معامله کردید خاک و مردم را  
 به دست داس سپردید سبز گندم را  
 هنوز باور مردم چه سخت مجروح است  
 هنوز پیکر گندم چه سخت کجروح است

من از تداوم یک انقلاب می گویم  
 من از ستاره و خورشید و ماهتاب می گویم  
 هزار مرتبه دیو ستم ستیزه کند  
 سر بریده ی بسیار را به نیزه کند  
 ولی نهایت جنگ و ستیز را باز  
 و این نهایت خوش، ملک و خلق را سازد.

ز جوی خونی که از دره ها سرازیر است  
 ز مردمانی که اکنون بدست شمشیر است  
 ز بی پناهی ی یک خلق در بدر گویم  
 ز اشک های یتیمان بی پدر گویم  
 ز مردمانی که این خاک را بخون تر کرد  
 و مردمانی که در خاک سرد بستر کرد  
 ز مادرانی که با چشم خویش می دیدند  
 ز دخترانی که صد زهر نیش می دیدند  
 ز انقلابی که ما را بدست مردم داد  
 ز دست مورچه رهانید و دست گزدم داد  
 ز رهبرانی که محصول انقلاب ربود  
 مجاهدینی که از چشم خلق خواب ربود  
 ز توده هایی که در انتظار تقدیر اند  
 هنوز هم که هنوز است گیر ترویر اند  
 ز قتل و خونی که اینک بنام آزادیست  
 ز مردمانی که در بند دام آزادیست  
 ز غنچه هایی که از وقت پیش پرپر شد  
 و گوسفندی که با گرگ ها برابر شد  
 ز دخترانی که هر دم شهید گردیده  
 و گیسوانی که از غم سپید گردیده  
 ز کودکان پدر مرده بی که بی نان اند  
 و سالهاست که در مرگ مهر مهمان اند  
 من از هجوم ملخ ها بیابان می گویم  
 ز لاشخوار کلان و کلاغ می گویم  
 چه بی نوایی بی مردم که فتح شد در جنگ  
 چه سینه های پر از شیر، قطع شد در جنگ  
 منم که باز بگویم من که تنه ایم  
 منم که شاهد تاراج فصل گلهایم  
 کسی که چشم پر از خون ماه را دیده  
 کسی که رنگ سیاه پگاه را دیده  
 کسی که خلق به ماتم نشسته را دیده  
 کسی که ریش به زانو رسیده را دیده  
 کسی که قبر کودک در برف را دیده

## ما می توانیم حقوق خود را بدست آوریم

دارد. از بین بردن کامل این ستم و به وجود آوردن مساوات کامل میان مردان و زنان، بدون سرنگونی و از میان بردن کامل نظام اجتماعی حاکم کنونی و به وجود آوردن و پرورش کامل یک نظام اجتماعی دیگر که بر اساس عدالت و

برای چند دقیقه وقت شما را گرفته و گفته هایم را خدمت تان عرض نمایم. ستم بر زن در تمامی جوامع بشری، از جمله در جامعه ما، ریشه های عمیق چند هزار ساله و عوامل وسیع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

تشریف آوری شما را در جلسه امروزی خیر مقدم می گویم و فرا رسیدن روز بین المللی زن یعنی روز هشت مارچ را به همه تان تبریک عرض می کنم. به ادامه صحبت های سائر شرکت کنندگان این جلسه، من هم می خواهم

تساوی استوار باشد و هیچگونه استثمار و ستم در آن وجود نداشته باشد، ممکن نمی باشد. بنابراین مسئله مبارزه در راه تامین کامل حقوق زنان باید اساسا مبارزه در راه همینگونه نظام اجتماعی باشد. طبعاً این مبارزه باید یک مبارزه جهانی باشد و در تمامی جوامع بشری پیش برده شود. دسته هشت مارچ خود را بخشی از همین مبارزه جهانی می داند و مبارزاتش را بر همین اساس پیش می برد.

اما این مسئله به هیچوجه به معنای این نیست که ما تا زمان رسیدن به چنان جامعه ای هیچگونه کاری نمی توانیم در مورد از بین بردن ستم بر زنان و دختران انجام دهیم. اگر به دنیای امروزی نظر اندازیم، به خوبی می توانیم ببینیم که زنان مبارز و مردان طرفدار حقوق زنان توانسته اند با پیشبرد مبارزات عمیق و وسیع، بسیاری از حقوق زنان و دختران را که در قرون گذشته زیر پا می شدند، بدست آورند و از لحاظ قانونی هم تثبیت نمایند. ما هم می توانیم در صورتیکه بصورت استوار و محکم مبارزه نمائیم، در همین شرایط موجود اجتماعی دستاورد های زیادی در راه تامین حقوق زنان و دختران داشته باشیم.

در جامعه ما متأسفانه، هم اکنون بسیاری از حقوق زنان و دختران که نه تنها در سطح جهانی بلکه در خود جامعه ما نیز از لحاظ قانونی تثبیت شده اند، زیر پا می شوند. بدبختانه بسیاری از این حق تلفی ها توسط نزدیک ترین اقارب ما یعنی پدر، مادر، برادر، شوهر و غیره صورت می گیرد. من درینجا یک تعداد مسائلی را که زنان و دختران شرکت کننده در همین جلسه، بخصوص مادران عزیز ما، می توانند سر از همین امروز در نظر بگیرند و برای تطبیق عملی آنها بکوشند، بیان می نمایم.

دختران تان را حتماً به مکتب شامل نمائید و برای شان اجازه دهید که تحصیل خود را ادامه دهند. یک دختر با سواد و تحصیل یافته هم در خانواده آینده خود و هم در جامعه می تواند نقش برجسته داشته باشد و همین امر موقعیت او را بهبود می بخشد.

سعی کنید میان پسران و دختران تان تبعیض قائل نشوید. نباید دختران تان، که همانند پسران تان فرزندان شما هستند، در اثر برخورد های تبعیض آمیز خود شما به این نتیجه برسند که اهمیت شان نسبت به پسران خانواده در نزد شما کمتر است.

زیاده روی زنان و دختران در مود و فیشن و زیور پرستی، نه تنها مصارف اضافی زیادی برای خانواده ها به وجود می آورد، بلکه در اساس خود یکی از عوامل ستم بر زنان بوده و شخصیت زنان و دختران را بصورت زشت آن تمثیل می نماید. همه زنان و دختران وظیفه دارند که علیه این زیاده روی، که در حقیقت یک مرضی روانی محسوب می گردد، مبارزه نمایند.

زنان و دختران می توانند بسیاری از رقابت ها و هم چشمی های ناسالم در محیط خانوادگی میان

زنان و دختران را، که به نوبه خود باعث تشدید ستم بر زنان می گردد، از بین ببرند یا لا اقل شدیداً کم نمایند. رقابت میان خشو و عروس یکی از مثال های برجسته آن است. درین رقابت ها و هم چشمی های نا سالم معمولاً پای مردان خانواده به میان می آید و حتی زنان خانواده مورد لت و کوب قرار می گیرند.

همه ما می توانیم در مقابل ازدواج های اجباری خود و اعضای خانواده خود مخالفت نموده و از چنین ازدواج هایی جلوگیری نمائیم. ما می توانیم در بیرون از خانواده خود نیز برای مخالفت علیه ازدواج های اجباری تبلیغ نمائیم.

ما می توانیم از شوهر دادن دختران خانواده خود در سنین کودکی و یا سن کم جلوگیری نمائیم و مخالفت علیه این کار را در بیرون از خانواده خود تبلیغ نمائیم. ما می توانیم در درون خانواده خود رسوم بسیار زشت و ضد انسانی دختر فروشی، بدل و غیره را از بین ببریم و برای از بین بردن آن ها در بیرون از خانواده خود تبلیغ نمائیم.

به همین ترتیب، کار زنان و دختران در بیرون از خانه، شرکت زنان و دختران در امور اجتماعی و سیاسی و غیره و غیره نیز می توانند در نظر گرفته شوند.

در اخیر می خواهم روی موضوعی اشاره نمایم که متأسفانه بسیار زشت و ناپسند و تا حد زیادی هم عجیب است. یکتعداد از مردان " روشنفکر " و تحصیل یافته ای وجود دارند که ممکن است در مورد حقوق زنان صحبت های زیادی نیز بلد باشند. اما متأسفانه از لحاظ عملی و در برخورد با زنان و دختران خانواده خود، آنقدر ارتجاعی و مرد سالارانه برخورد می نمایند که انسان فکر می نماید که ملا عمر مرجع تقلید شان باشد. مثلاً زنان خود را برقع می پوشانند، دختران خود را به زور به شوهر می دهند، از کار کردن زنان و دختران شان در بیرون از خانه جلوگیری می کنند، به آنها حق شرکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی را نمی دهند و غیره و غیره. اینگونه مردان واقعا بد تر از مرد سالاران مرتجعی هستند که قول و فعل شان یکی است. مبارزه علیه اینگونه مرد سالاری و ستم بر زن نیز باید بخش مهمی از مبارزات حق طلبانه زنان را تشکیل دهد.

+++++

+++++

++++

+



## پامالی حقوق زنان توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده شان

" ۱۲ نفر در ناحیه پنجم شهر کابل یک دختر ۱۲ ساله را ربوده و چند روز نزد خود نگهداشته و به دختر تجاوز جنسی نموده اند، که پولیس ما ۷ نفر را دستگیر نموده و پنج نفر دیگر فرار نموده و تحت تعقیب است."

پولیس اظهار داشت که:

"وضع صحی دختر خیلی وخیم است." اما بعد از این گزارش دیگر کسی این ماجرا را تعقیب نمود و این دوسیه هم مانند دوسیه های مشابه دیگر بسته شد.

اکثریت این تجاوزات از طرف نیروهای مسلح صورت میگیرد که حامی شان رژیم پوشالی است. "کمسیون مستقل حقوق بشر" گزارش داده است که در طی هشت ماه سال جاری، ۲۰۸۱ واقعه خشونت علیه زنان در این کمسیون ثبت گردیده است. تعداد واقعاتی که در کمسیون ثبت گردیده، از شهرها و حومه آن ها گرفته شده، اما واقعات خشونت علیه زنان در قرا و قصبات ولسوالی ها اصلا به دولت ارجاع نشده و ثبت نمیگردند. حتی اگر همین واقعات ثبت شده خشونت علیه زنان را، که فقط یک بخش از این واقعات را تشکیل می دهند، به حساب روز محاسبه کم در هر روز ۹ واقعه خشونت را در بر میگیرد.

یک گزارش رسیده از هرات حاکی از آن است که به ساعت ۲ شب مورخ ۲۴/۲۵/۱۳۸۷ جدی سال ۱۳۸۷ دکتر امان یار در دفتر نوکروالی اش در شفاخانه هرات به یک زن جوان تجاوز می نماید و در حین عمل تجاوز در شفاخانه دستگیر می شود. اما این عمل ناشایسته و جنایتکارانه وی را هیچ یک از رسانه های خبری به اطلاع مردم نرسانده و دوسیه اش نیز مانند هزاران دوسیه دیگر تجاوزات جنسی بسته و حفظ گردیده است.

اخبار رسیده از قریه ماروا مربوط ولسوالی پشتون زرغون ولایت هرات حاکی از آن است که یک نفر دارای دو زن بوده و به علت فقر و تنگدستی زن اولیش را به عقد نفر

همایون حمید زاده صحیح است، پس چرا کرزی قاضیانی را که این حکم را صادر نموده اند به محاکمه نکشانند؟ در همان روزها چون این مساله داغ بود، کرزی ناچارا به تلویزیون ظاهر شد و گفت:

"آنهائیکه ظلم شدید بشری را مرتکب میشوند باید به اشد مجازات محکوم شوند." کرزی کلمه اشد مجازات را دوبار تکرار نمود. اما هیچ کس از وی پرسان نکرد که آیا تجاوز به زنان و بخصوص دختران جوان و دختران صغیره "ظلم شدید بشری" نیست؟ یقینا که به نظر کرزی و دارودسته اش چون افراد خود شان مرتکب این جنایت بشری می شوند، این عمل "ظلم شدید" محسوب نمی گردد؛ بلکه از نظر ایشان مخالفت با اشغالگران و خودرژیم دست نشانده، "ظلم شدید بشری" بوده و مرتکبین آن باید به "اشد مجازات" محکوم شوند.

در ۲۱ میزان ۱۳۸۷ ساعت ۶ شام گزارشی از تلویزیون طلوع پخش شد که یکعده از باشندگان ولایت سرپل را نشان میداد که به کابل آمده بودند و نزدیک ارگ در حال شورش و طغیان بودند و از کرزی میخواستند تا پاینده "نماینده" آن ولایت در پارلمان را محاکمه کند. یکنفر اظهار داشت که پاینده در روز روشن در بین بازار اول دست یکنفر را قطع نموده و بعدا هر دو چشمش را کور کرد. نفر دیگر اظهار داشت که پاینده وارد خانه من شده مرا لت و کوب نمود و بعدا به خانه ام تجاوز جنسی نمود و به همین طریق پسرش بالای یک دختر ۱۲ ساله تجاوز نموده است. سائر افراد سرپل حرفهای این دونفر را تأیید کردند و کسان دیگری پاینده را متهم به غصب زمین های خویش نمودند. اما دولت هیچگاهی از پاینده کلمه ای هم نپرسید چه رسد به محاکمه وی.

به همین ترتیب پولیس رژیم پوشالی گزارشی را از طریق تلویزیون طلوع در ساعت ۶ شام روز پنجشنبه ۴ میزان ۱۳۸۷ پخش نموده و گفت که:

امپریالیستهای اشغالگر با شعارهای دروغین "مبارزه عیله تروریزم"، "برابری حقوق زن و مرد" و "آزادی زنان" بر افغانستان هجوم آورده و این کشور را به یک مستعمره تحت اشغال خود تبدیل نمودند و رژیم دست نشانده حامد کرزی این شاه شجاع سوم را به وجود آوردند. از آن زمان تا امروز رژیم مزدور شعار "آزادی" زنان را سر داده و از تساوی حقوق شان با مردان لفظا دفاع می نماید. اما در عمل شیوه مرد سالاری را حفظ نموده و از جهات معینی بیشتر از پیش تحکیم نموده است. طوریکه روزی نیست که از تجاوز جنسی، قتل زنان و قطع کردن انگشتان دست و پا و بریدن گوش و بینی شان صحبتی نباشد. اما جنایتکاران یا دستگیر نمی شوند و یا بعد از دستگیری مجازات نگر دیده و بیداد گاهای رژیم آنها را برآت می دهند.

در طول مدت هفت سالی که از عمر رژیم پوشالی سپری شده، محاکم رژیم فقط ۴ نفر را به جرم تجاوز محکوم به ۱۱ سال حبس نموده است. اما این مجرمین بعد از مدت کوتاهی رها شده اند. فامیل دختر قربانی شده بالای این وضعیت اعتراض نموده و خواهان مجازات مجرمین گردیده است. اما محکمه مربوطه ادعا کرده که ما حکم خود صادر نمودیم، اما این ۴ نفر مجرم به حکم و امضای کرزی آزاد شده اند.

برنامه زنگ خطر تلویزیون طلوع ساعت ۹ شب مورخ ۱۳/۶/۱۳۸۷ این عملکرد کرزی را به باد تمسخر گرفته و مکتوب امضاء شده اش را بنمایش گذاشت. در این زمینه وقتیکه از همایون حمیدزاده سخنگوی کرزی چون وچرای مساله پرسان شد او در جواب گفت:

"تحقیق و بررسی ایکه کرزی صاحب نموده، آنها بیگناه بودند لذا امر آزادی شان را داد." اینجا این سوال پیش می آید که اگر حرف

دیگری در می آورد و از فرد مذکور در بدل زنش مبلغ صد هزار افغانی و یک جریب زمین میگیرد. طبق گفته یک شاهد عینی (قاسم)، شوهر اولی زن شخصا در مجلس عروسی حضور داشته است، مثل اینکه دخترش را عروسی کرده باشد. گرچه زن حاضر به عروسی دومش نبوده است، مگر نظر به فشاریکه از طرف شوهرش بالای او وارد می شود ناچار تن به تزویج دوم میدهد. طبق گفته قاسم نام، این دومین قضیه از این نوع است که در این قریه اتفاق افتاده است.

محکمه عالی جنائی بین المللی مربوط سازمان ملل متحده هشت افسر نظامی صرب را به جرم تجاوز جنسی به زنان بوسنیا به محاکمه کشاند و عمل تجاوز جنسی را بحیث یک جنایت جنگی شناخت. از آن به بعد تجاوز جنسی به حیث یک جنایت جنگی مستقل شناخته شده است.

اما این حکم درجائی و زمانی که منافع امپریالیزم امریکا تقاضا نماید قابل تطبیق است. در حالیکه در بسا جاها به وضوح مشاهده می شود که امپریالیستها پشتیبان کامل جنایتکاران بوده و می باشند و نه تنها از جنایتکاران پشتیبانی مینمایند بلکه خود نیز دست به این جنایات می زنند. زندانهای

عراق و افغانستان بیانگر این مدعا است که امپریالیستها نه تنها به زنان تجاوز نموده اند، بلکه مردان نیز مزه تلخ این جنایت را چشیده اند. ولی هیچگاه محکمه عالی جنائی بین المللی این مجرمین را به عنوان جنایتکار محاکمه نموده است.

امپریالیستها همیشه آن جنایتکارانی را مورد سرزنش و محاکمه قرار میدهند که طرف مقابل شان بوده و یا با رقبای شان ارتباط داشته باشند. این امر امروز در افغانستان و عراق به خوبی مشاهده می شود. امروز امپریالیستها از جمله بزرگترین جنایتکاران بوده و تمام جنایات ضد بشری توسط آنها فرماندهی می شود. آنها متکی به جنایتکاران ضد بشری هستند زیرا که منافع شان توسط جنایتکاران بهتر برآورده می شود. روی همین ملحوظ است که امروز در افغانستان نه تنها امپریالیستها و "محکمه عالی جنائی" بین المللی در مقابل جنایات جنسی لب فرو بسته اند، بلکه رژیم کوزی که زیر بال و پر شان قرار دارد، تشویق می گردد تا جنایتکاران بیشتری را در بغل بگیرد.

طبق راپوری که از طرف سازمان ملل و کمسیون حقوق بشر خود شان ترتیب گردیده امروز بزرگترین جنایتکاران در

راس مقامات عالی دولتی قراردادند. تهیه این راپورها فقط برای مطیع نگهداشتن جنایتکاران است. هر زمانیکه تاریخ مصرف هر کدام شان سر رسد و دیگر برای امپریالیستها استفاده ای نداشته باشد، یقینا او را به محاکمه کشانده و جنایتکار دیگری را که قابل استفاده باشد، بجایش میگمارد.

زنان انقلابی و ستمدیده افغانستان! اگر میخواهید که از زیر بار این ستم نجات حاصل کنید و بر آن خط بطلان بکشید، باید خشم خویش را به نیروی مقاومت تبدیل نمائید و دوشادوش مردان مبارز و انقلابی برای بیرون راندن اشغالگران امپریالیست و سرنگونی رژیم دست نشانده حامد کوزی به مقاومت و مبارزه برخاسته و در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی کوشا باشید.

مرگ بر امپریالیستها و جنایتکاران مورد حمایت شان!  
مرگ بر سیستم منفور مرد سالاری!  
زنده باد آزادی!

## گزارشی از برگزاری روز جهانی زن در افغانستان

با درودهای فراوان!

هشت مارچ روز جهانی زن در شهر ... بصورت نیمه مخفی برگزار گردید. شش نفر از دختران مربوط به دسته هشت مارچ و چند نفر از منسوبین جنبش انقلابی جوانان در گردانندگی محفل نقش داشتند. در محفل مجموعاً پنج مقاله، به شمول یک مقاله خارجی، دو پارچه شعر، یک سرود و دو پارچه موسیقی شامل بود. سرود توسط کودکان اجرا شد و دو پارچه موسیقی توسط منسوبین جنبش انقلابی جوانان که یکی از آنها توسط کودکان همراهی میشد.

محفل نزدیک به دو ساعت دوام کرد و در حدود ۹۰ نفر، به شمول چند نفری که از مرکز آمده بودند، در آن شرکت کرده بودند. بیشتر از نصف شرکت کنندگان محفل دختران بودند. بر علاوه ۴ زن نیز در محفل شرکت کرده بودند.

گردانندگان و شرکت کنندگان محفل، در ختم محفل از چگونگی برگزاری آن رضایت نشان داده و روی برگزاری محافل به مناسبت های خاص تاکید ورزیدند.

## گزارشی از برگزاری روز جهانی زن

روز جهانی زن به روز یکشنبه هشت مارچ ۲۰۰۹ توسط دسته هشت مارچ زنان افغانستان به نحو با شکوهی در شهر کویته تجلیل گردید. در این محفل تجلیلیه بیشتر از پنجصد نفر شرکت کرده بودند. اکثریت شرکت کنندگان را زنان و دختران تشکیل داده بودند که بیشتر شان را شاگردان مکاتب محل می ساختند. دسته هشت مارچ زنان افغانستان در برگزاری این محفل تجلیلیه از همکاری جنبش انقلابی جوانان افغانستان برخوردار بود.

در این محفل تجلیلیه، منسوبین دسته هشت مارچ زنان افغانستان و جنبش انقلابی جوانان افغانستان و همچنان شخصیت های فرهنگی و هنری همکار آنها، مقالات و اشعاری را به خوانش گرفتند، چند پارچه ترانه اجرا نمودند و یک پارچه تمثیلی نمایش دادند. همچنان دو مقاله به زبان اردو نیز قرائت گردید.

اما ویژگی محفل هشت مارچ امسال درین بود که درین محفل " طرح پیشنهادی بیانیه دسته هشت مارچ زنان افغانستان " به مثابه طرح پیشنهادی پلاتفرم مبارزاتی دسته، ارائه گردید، تا مورد نظر خواهی عمومی قرار بگیرد. قرار است بعد از نظر خواهی عمومی، این طرح پیشنهادی به طرح تصویب شده مبدل گردیده و شکل پلاتفرم رسمی دسته هشت مارچ زنان افغانستان را بخود بگیرد.

یکی از ویژگی های دیگر محفل تجلیلیه هشت مارچ امسال خصوصیت چند ملیتی آن بود. این خصوصیت محدودیت ملیتی محافل سال های قبل را رفع نموده و محفل امسال را رنگارنگی ملیتی بخشید. امید داریم در سال های بعد، این خصوصیت کسب شده بیشتر از پیش گسترش یابد. محفل تجلیلیه هشت مارچ امسال در شرایطی در شهر کویته برگزار گردید که محیط این شهر را جو برخورد های سیاسی و فرقه یی فرا گرفته که شکل برخورد های مسلحانه ملیتی را بخود گرفته است. اما منسوبین دسته هشت مارچ زنان افغانستان و جنبش انقلابی جوانان افغانستان، بخاطر تشویشات امنیتی ناشی از این وضع حاضر نشدند که از برگزاری محفل تجلیلیه هشت مارچ صرف نظر نمایند. آنها وضعیت محیط را در نظر گرفتند، اما روز هشت مارچ را نیز تجلیل نمودند.

اعلامیه جنبش انقلابی جوانان افغانستان که به مناسبت فرار رسیدن روز جهانی زن منتشر شده بود نیز در میان جمعیت شرکت کننده در محفل پخش گردید.

## مبارزات زنان بخش مهمی از مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پوشالی

فرارسیدن هشت مارچ، روز جهانی زن را به همه زنان و مردان آزادیخواه تبریک می گوئیم. تجلیل از هشت مارچ، تجلیل از مبارزات زنان و قربانی هایی است که زنان مبارز در راه احقاق حقوق شان تا حال در کشور های مختلف جهان متقبل گردیده اند. این مبارزات با وجود نیل به دستاوردهای معینی اساساً تا حال پایان نیافته و همچنان ادامه دارد. بنابراین تقبل قربانی های بیشتر مبارزاتی در شرایط کنونی و در آینده نیز ضروری خواهد بود. در کشور ما هم اکنون مسئله زنان توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده به مثابه گروگان برای توجیه اشغالگری امپریالیستی و خیانت ملی به کار گرفته می شود. آنها وزارت امور زنان ایجاد کرده اند، برای زنان در پارلمان پوشالی نمایندگی نسبی داده اند، زنان معینی را به وزارت و ولایت و ریاست رسانده اند، برای یکتعداد از زنان و دختران تحصیل یافته در موسسات وابسته دولتی و غیر دولتی زمینه اخذ معاشات بالای دالری را مهیا ساخته اند و... تا نشان دهند که آزادی زنان در نبود استقلال کشوری و آزادی ملی بدست می آید.

این افسانه دروغین و این فریبکاری عظیم باید افشا و رسوا گردد. پامال شدن استقلال و آزادی ملی کشور و مردمان کشور یعنی پامال شدن هویت کشوری و ملی مستقل تمامی زنان و مردان کشور. در چنین شرایطی آیا زنان افغانستانی، و همچنان مردان کشور، می توانند حقوق و آزادی هایی داشته باشند؟ بلی می توانند داشته باشند، اما نه حقوق و آزادی های حقیقی، درست همانگونه که بردگان می توانند " حقوق و آزادی " هایی داشته باشند. البته برای بردگانی که به بردگی تن داده باشند، این " حقوق و آزادی ها " نه تنها کافی و وافی خواهند بود، بلکه مستلزم دعا برای سلامتی سر و دوام قدرت اربابان نیز می باشند. اما برای زنان و مردانی که تن به بردگی نمی دهند، " حقوق و آزادی " های مذکور، که به مثابه پرده فریبی برای پوشاندن اسارت و بردگی بکار گرفته می شوند، نه تنها نمی توانند باعث اغفال گردند، بلکه باعث تشدید مبارزات آنها بخاطر سرنگونی اسارت در تمامی ابعاد آن نیز می شوند.

در شرایط امروزی افغانستان، که کشور تحت اشغال نیروهای متجاوز امپریالیستی قرار دارد و یک رژیم دست نشانده متشکل از خائنین ملی، حاکمیت پوشالی خود را بر آن اعمال می نماید، مبارزات زنان بخاطر تامین حقوق و آزادی های انسانی شان، بخش مهمی از کلیت مقاومت و مبارزه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده را تشکیل می دهد. بنیاد گرایان مرتجع و زن ستیزی که در عین مخالفت و مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پوشالی، حقوق و آزادی های انسانی زنان را انکار می کنند و با تمسک به " حقوق و آزادی " های اعطایی اشغالگران و رژیم دست نشانده به زنان، بینش و عملکرد غلیظ شوونیستی مرد سالار شان را رنگ مقاومت علیه اشغال و تجاوز می دهند، صرفاً در حق زنان کشور جفا نمی کنند، بلکه با محروم کردن نصف نفوس جامعه از حقوق شان، منجمله حق مقاومت و مبارزه علیه اشغالگران و رژیم پوشالی، در حق کل کشور و تمامی مردمان کشور، یعنی تمامی زنان و مردان، جفای بزرگ و غیر قابل بخششی مرتکب می شوند. مبارزه علیه این جفای بزرگ نیز بخش جدایی ناپذیری از مقاومت و مبارزه ملی مردمی و انقلابی بخاطر تامین حقیقی استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور است.

فرخنده باد هشت مارچ روز جهانی زن!

خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی رها سازیم!

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان "

هشت مارچ ۲۰۰۹



فهرست مطالب ۰۰۰

۱۴ - گزارشی از برگزاری روز جهانی زن در افغانستان ۱۸

۱۵ - گزارشی از برگزاری روز جهانی زن ۱۹

۱۶ - مبارزات زنان بخش مهمی از مقاومت علیه اشغالگران

ورژیم پوشالی ( اعلامیه جنبش انقلابی جوانان افغانستان ) ۱۹



تظاهرات کارزار زنان ۸ مارچ در استهلاکم